

انترناسیونال هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-870 120 7768

۱۰۸

۱۰ خرداد ۱۳۸۱

۳۱ مه ۲۰۰۲

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

انجمن مارکس لندن

شنبه ۸ ژوئن

صفحه ۲

انجمن مارکس کانادا

شنبه ۸ ژوئن

صفحه ۲

کنفرانس دهم

صفحه

تشکیلات سوئد

صفحه ۴

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465

Fax: 0044-870-135-1338

markazi@ukonline.co.uk

رادیو انترناسیونال

۳۱ متر - ۹۹۴۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

نعره های قوه قضاییه

مصطفی صابر mosaber@yahoo.com



خط امامی های سابق و دوم
خردادی های امروز بود، به

صفحه ۲

دسته های اراذل حاکم بر ایران بر سر اینست که چگونه جمهوری اسلامی را حفظ کنند، مردم را سرکار بگذارند و سرکوب بکنند. اما نه شباهتها که تفاوتها با گذشته مهم اند.

تفاوت اینبار اینست که شعار "مرگ بر آمریکا" که روزگاری افتخار

ولی خود در عین حال مدافع مذاکره است. سومی ظاهرا بر هردو چماق میکشد ولی روابط نزدیکی با مذاکره کننده دارد. مثل گذشته، مثلا دوره دولت بازگان، رابطه با آمریکا محمل تسویه حسابهای جناحی هم هست. مثل همیشه دعوی جناح ها و

هفته گذشته دادگستری تهران در اطلاعیه شدید اللحنی همه کسانی را که بنفع مذاکره و برقراری رابطه با آمریکا سخن بگویند، تهدید کرد. این در حالی است که در هفته اخیر، شواهد زیادی مبنی بر جریان داشتن نوعی مذاکرات پنهانی بین دفتر رفسنجانی و کسانی از آمریکا منتشر شده بود. ظاهرا در کلاف سردرگم رابطه با آمریکا سگ صاحبش را نمی شناسد. یکی دست آن دیگری را در مذاکره با آمریکا رو میکند

صفحه ۴

سرنگون باد رژیم سنگسار و اعدام

صفحه ۴

اطلاعیه پایانی اجلاس دفتر سیاسی حزب

راز سرنگونی طلبی ساندویچ مک دونالد

محسن ابراهیمی



مرکز توزیع مواد غذایی در شمال تهران به خورد جوانان معصوم از همه جا بیخبر داده میشوند.

صفحه ۳

روزنامه کیهان، زیر عنوان "مک دونالد بدون تابلو"، امت اسلامی را از توطئه بسیار مهمی، توطئه ای که مستقیما با کیان اسلام سر و کار دارد آگاه کرد. خبر به اینقرار است که گویا ساندویچ هایی متعلق به مک دونالد در کشور های آمریکا و استرالیا بسته بندی میشوند، در کشورهای اسلامی برچسبشان عوض میشوند و این ساندویچ های غربی خدانشناس و ضد اسلامی بدون جلب توجه وزارت اطلاعات و هزاران ایستگاه بازرسی اسلامی از طریق سیرجان وارد پایتخت حکومت اسلامی میشوند و دست آخر توسط یک

آیا حزب دمکرات به آزادیهای سیاسی گردن خواهد گذاشت؟

اصغر کریمی



کردستان با بقیه دنیا فرق دارد که "در ایران بر خلاف کشورهای اروپایی از نهادهای مدنی خبری نیست (و لابد به همین خاطر میتوان از این حرفها زد) و در نتیجه برای جلوگیری از تمرکز قدرت، باید قدرت بین نهادهای ملی، قومی و جغرافیایی تقسیم شود". یعنی یک فدرالیسم قومی عریان و خیلی غلیظ البته بدون ذکر نام آن. عدم پایبندی هم در برنامه و هم در پراتیک سیاسی به موضوع آزادی های بی قید و شرط سیاسی در کردستان موجب

صفحه ۳

اعتراضات کارگران کفش ملی و جهان چیت

صفحه ۴

در سوگ مرگ سحابی "همه با هم" شدند!

محمود قزوینی



صفحه ۲

اگر کسانی از روزهای انقلاب ۵۷ و چگونگی سوار کردن خمینی و جریان ملی - اسلامی بر انقلاب آزادیخواهانه مردم خاطره ای ندارند و یا آن را مرور نکرده اند، مرگ سحابی و سوگواری متحانه جریانات ملی اسلامی متنوع از چپ تا راست و در حکومت و خارج از آن، ماتریال مناسبی برای مطالعه در اختیار جستجوکنندگان قرار میدهد. میثاق مجدد جریانات ملی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

در سوگ مرگ سحابی

اسلامی بر سر یک واقعه و یک شخصیت میتوانست سرخنی باشد که با توجه به آن بشود منشاء و تکامل حیات جمهوری اسلامی را با دقت نوشت. همانطور که یک تکه استخوان و یا یک سنگواره میتواند دانشمندان را برای مطالعه دقیقتر تکامل موجودات و انسان یاری دهد و یا حتی موجب کشف موجودی در سیر تکامل شود که میلیونها سال پیش نابود گردیده است، واقعه هایی مانند میثاق مجدد جریانات ملی اسلامی هم برای انسان جستجوگر آن ماتریالی است که با مطالعه آن میتوان سیر تکامل تاریخ سه دهه اخیر و نقش و سیاست احزاب ملی گرا و اسلامی را ترسیم کرد و با مطالعه نزدیکتر آن را به رشته تحریر در آورد.

یدالله سحابی یک عنصر مرتجع ملی گرا و مذهبی، از یاران خمینی و دیگر اسلاميون بود که در دزدیدن انقلاب مردم و کوییدن مهر اسلام بر آن نقش بسزائی داشت. او از پایه گذاران حکومت اسلامی، یکی از مستبدترین و خونین ترین حکومتهای تاریخ، از سردمداران و معماران این حکومت، از اعضای شورای انقلاب و از وزرای این حکومت در دوره ای بود. در مرگ او از آیت الله خامنه ای و خاتمی تا راه کارگر، از مجاهد و بنی صر تا اکثریت و از آقای طبریزی تا حزب توده و... سوگواری کردند و مراسمهای بزرگداشت برگزار کردند، او را ستودند و از مبارزات او تجلیل به عمل آوردند.

باید روشن باشد که چرا خامنه

ای و خاتمی و دیگر سران حکومت و خود نهضت آزادی از او تجلیل میکنند. اما هر کسی که ذره ای برای مردم و آزادی و زندگیشان احترام قائل باشد نمیتواند ذره ای عنصر ترقی و آزادیخواهی در سحابی بیابد. زندگی سیاسی سحابی چیزی جز ارتجاع محض و عریان نبود. افکار یدالله سحابی بر علیه کارگر، زن، کودک و کل انسانیت بود. زندگی یدالله سحابی با اسلام و جمهوری اسلامی و ماشین جنایت آن تنیده شده بود. او نه تنها مخالف حجاب اجباری و سنگسار و اذیت و آزار زنان و سرکوب کارگران و مردم نبود بلکه خود از اشاعه دهندگان و رهبران افکار ارتجاعی اسلام و فعال نمودن این ویروس در عرصه سیاست بود. در پایه گذاری جمهوری اسلامی سهم بازرگان و سحابی از خمینی و منتظری کمتر نیست. سخنان اینها بر علیه کارگران و زنان و کمونیستها و آزادی بیان و اجتماعات هنوز درگوش بسیاری طنین انداز است. اینها تا زمانی که منصب دار بودند سرکوب میکردند و بعد هم یک فعال مایه‌شاه و یکی از دلسوزان حکومت اسلامی بودند.

نهضت آزادی در اطلاعیه ای به مناسبت مرگ سحابی نوشت: "دکتر یدالله سحابی ... در پیروزی انقلاب و سپس شکل گیری و سامان دهی جمهوری اسلامی ایران نقش مفیدی داشت. راه کارگر در اطلاعیه اش او را به عنوان یک شخصیت آزادیخواه ستود و نوشت: "شعارهای سیاسی و غیر ایدئولوژیک مردم در دفاع از آزادی در مراسم تشییع جنازه سحابی، هم به معنای ادای احترام به مبارزات آزادیخواهانه این شخصیت مبارز و ملی و هم بیانگر دفن ایده حکومت دینی برای هموار کردن راه مبارزات

آزادیخواهانه مردم است." در همان اطلاعیه راه، کارگر سحابی را به دلیل تفسیر آزادیخواهانه اش از اسلام ستود. اطلاعیه اکثریت در رابطه با مرگ سحابی کپی اطلاعیه راه کارگر بود و یا برعکس اطلاعیه راه کارگر کپی اطلاعیه اکثریت. محتوا و حتی شکل بیان همه جریانات و شخصیتهایی که در سوگ مرگ سحابی اطلاعیه صادر کردند از رهبر جمهوری اسلامی تا پیمان و از جمهوریخواهان ملی تا حزب توده و... یکی بود و فقط درجه غلظت ملی گرایی و یا اسلامگرایی در این و یا آن شخص و جریان، کمی اطلاعیه ها را از هم تفکیک میکرد.

اتحاد جریانات ملی - اسلامی در به سوگ نشستن یکی شخصیت مرتجع تاریخ ایران و ستایش همگی آنها از او سنگواره ای است برای مطالعه انقلاب ۵۷ و چگونگی به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی. نسل جوان ایران باید درسهای انقلاب ۵۷ را از بر شود. در سال ۵۷ از حزب توده و کانون نویسندگان تا جریانات اسلامی و چریک فدایی و مجاهدین خلق با خمینی و بهشتی و بازگان و... "وحدت خلق" و "وحدت کلمه" را حفظ کردند تا رژیم جمهوری اسلامی توسط سحابی و خمینی و بهشتی و بنی صدر و... شکل و سامان گرفت. بدون وحدت کلمه جریانات ملی - اسلامی از چپ تا راست، دولت‌های غرب نمیتوانستند خمینی و جمهوری اسلامی را به مردم ایران حقنه کنند. این جریانات جناحهای چپ و راست یک جنبش، جنبش ملی - اسلامی اند، که امروز باشکال مختلفی از آزادیخواهی یدالله سحابی ستایش میکنند. ■

انجمن مارکس لندن

ورود برای عموم آزاد است

شنبه ۸ ژوئن ۲۰۰۲ - ۱۲ تا ۶ بعد از ظهر

انقلاب روسیه ۱۹۱۷ - ۱۹۲۷ بررسی تحلیلی
جلسه سوم: از انقلاب اکتبر تا مرگ لنین
کورس مدرسی

ساختمان حکومت شورائی، مسائل عاجل، صلح با آلمان، کمونیسم جنگی، جنگ داخلی، نپ، افق انقلاب در اروپا، انقلاب آلمان، شورش کروئشتات، انترناسیونال سوم، کمونیسم و جنبشهای استقلال طلبانه، شروع بحث آلترناتیو اقتصادی سوسیالیسم.

آدرس: (جنب ایستگاه، Farington)
The Cross, 35 Cowcross Street

لطفا راس ساعت ۱۱/۵ در محل حضور بهم رسانید
ورودی ۵ پوند

ورود کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال ممنوع است
لطفا دوربین و ضبط صوت همراه نیاورید

تلفن تماس: 077 302 64611
ای میل: marx_society@yahoo.com

متونی که مرور آنها توصیه میشود

منصور حکمت - دولت در دوره‌های انقلابی

مارکسیسم و مساله شوروی شماره های ۲ و ۳

ای اچ کار- تاریخ انقلاب روسیه جلد ۱، فصل ۵ تا آخر و جلدهای ۲ و ۳
لنین - خطر فلاکت و راه مبارزه با آن / وظایف انقلاب / دولت و انقلاب / تزه‌های مربوط به مجلس موسسان / اعلامیه حقوق مردم زحمتکش و استثمار شوند / طرح فرمان مربوط به انحلال مجلس موسسان / تزه‌های مربوط به مساله انعقاد فوری صلح جداگانه و الحاق آمیز / وظایف نوبتی حکومت شوروی / اقتصاد و سیاست در عصر دیکتاتوری پرولتاریا / بیماری کودکی چپ روی در کمونیسم

انجمن مارکس کانادا

ورود برای عموم آزاد است

شنبه ۸ ژوئن ۲۰۰۲ - تورنتو

تاریخ نظری کمونیسم کارگری
(بخش دوم: کمونیسم کارگری)

جلسه دوم: نقد دموکراسی، ناسیونالیسم و مذهب

حمید تقوائی

برای اطلاع از محل جلسه با تلفن یا ای میل زیر تماس بگیرید:
تلفن: 416 737 9500
ای میل: marx_can1@yahoo.com

از صفحه ۱

نعره های قوه قضاییه

"استقلال ملی" معنی میشد و خیل وسیعی از میلیون "ضد امپریالیست" را به لشکر رژیم اسلامی تبدیل میکرد، امروز به سمبل بی افقی و ورشکستی تمام عیار در صحنه بین المللی تبدیل شده است. اگر آنوقت شعاری بود که خمینی پشت آن رفت و جمهوری اسلامی را برای یک دوره نسل کشی تمام عیار متحد کرد، امروز کسی بابت آن تره هم برای رهبر جمهوری اسلامی خرد نمی کند. تفاوت اینبار اینست که اینها همه راهها را برای بقاء و حفظ جمهوری اسلامی آزموده و شکست خورده اند و حالا یک بحران عمیق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حکومتی روی دستشان مانده است. نسل جوانی به میدان

آمده و مردم دیگر آن مردم ده بیست سال پیش نیستند. حرکات اعتراضی نظیر ۱۸ تیر و اعتصاب و راهپیمایی معلمان را علیه این رژیم برپا کرده اند، شعور سیاسی و توقعات برابری پیشرفته تری دارند و علاوه بر اینها حزبی نظیر حزب کمونیست کارگری عروج کرده است.

اطلاعیه دادگستری تهران و رجزخوانیهای "آقا" و دیگر حضرات حول رابطه با آمریکا، بخشی از آخرین تقلاهای قبل از رفتن زیر آب است. این اطلاعیه قبل از هر چیز علیه مردم است. مردمی که در حال انفجارند. به اعتصابات و تظاهرات کارگران کفش ملی، جامکو، جهان چیت، بافت آزادی و غیره در همین یکی دو هفته نگاه کنید. به اعتراضات و جنبش های دانشجویی نگاه کنید. اینها فقط انعکاسی از جو ملتهب و اعتراضی بسیار حاد و گسترده در کشور است. اطلاعیه اخیر دادگستری، در کنار موج جدیدی از اعدام ها،

به صحنه آمدن حزب الله (یعنی سپاه و بسیج در لباس شخصی)، اعلام حکم سنگسار، حمله به "زنان و کودکان خیابانی" و عربده کشی های نیروهای انتظامی، آدم ربایی و ایجاد جو ارعاب، همه تلاش برای کنترل اوضاع، امروز را گذراندن و فعلا خاکی به سر کردن است. این ادامه همان "اعلام وضعیت فوق العاده" به بهانه مقابله با تهدیدات جنگی آمریکاست. این حملات باید با گسترش اعتراضات مردم پاسخ بگیرد. بویژه کارگران که همواره پای ثابت و خستگی ناپذیر اعتراض علیه جمهوری اسلامی بوده اند، باید نقش سیاسی خود، نقش رهبری کننده خود را جدی بگیرند. در برابر صف مشوش، پاره پاره و در عین حال خونخوار و وحشیان اسلامی، باید صف متحد کارگران، از کارگران نفت تا کفش ملی، از کارگران ذوب آهن تا توانیر، از معلمان تا پرستاران را قرار داد. ■

مرگ بر جمهوری اسلامی!**زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

از صفحه ۱

آیا حزب دمکرات به آزادیهای سیاسی ...

ریختن خونهای زیادی شده است. نمیتوان آسان از کنار آن گذشت. آزادیهای سیاسی یک محور مهم جنگ بیست و سه ساله مردم با جمهوری اسلامی بوده است و از احزاب سیاسی اپوزیسیون جواب صریح میخواهد. نمیتوان شانه بالا انداخت و به دستاوردهای صدوپنجاه ساله بشری اعتنا بود.

در مورد حزب دمکرات، آزادیهای سیاسی موضوع بسیار حساسی است. سابقه حزب دمکرات در دهه شصت علیه سازمانهای سیاسی و نقض آزادی فعالیت سیاسی آنها هنوز در اذهان مردم زنده است. حزب دمکرات در سال ۱۳۶۳ به منظور جلوگیری از فعالیت سیاسی و رشد و گسترش حضور کومه له در نواحی مختلف کردستان، جنگ همه جانبه ای را به کومه له تحمیل کرد. قبل از آن نیروی مسلح این حزب به مقر سازمان پیکار در شهر

بوکان حمله کرده و سه نفر از کادرهای پیکار را به قتل رسانده بود، به فدائی و طوفان حمله کرده بود، نمایندگان شوراهای مردم را در اینجا و آنجا مورد اذیت و آزار قرار داده بود و دوستداران کومه له را در بسیاری از مناطق کردستان صرفا به دلیل تبلیغ به نفع کومه له و کمونیسم کتک زده بود. کومه له آلمان، بعد از آنکه همه تلاشهایش برای حل مساله به شیوه سیاسی بی نتیجه ماند، به مقاومت برخاست، تعرض نظامی حزب دمکرات را در هم شکست، آترا دوشقه کرد، افکار عمومی مردم کردستان را متوجه حقانیت خود و سیاستهای آزادیخواهانه خود کرد، ماهیت سیاسی حزب دمکرات و علل جنگ افروزی اش را به مردم توضیح داد و پس از چهار سال از نظر نظامی در چنان موقعیتی قرار گرفت که یکطرفه اعلام آتش بس کرد. یکسال طول کشید که حزب دمکرات که از هر نظر بازنده این جنگ بود، این آتش بس را علیرغم میلش بپذیرد. و بدینترتیب جنگ خونینی که چند صد نفر از اعضای مسلح دوطرف را به کشتن داده بود و به جنبش

آزادیخواهانه مردم کردستان علیه حکومت اسلامی لطمات سنگینی وارد کرده بود پایان یافت. امروز از آن دوره نزدیک به پانزده سال گذشته است اما در مورد حزب دمکرات انگار اتفاقی نیفتاده است، انگار تاریخ سر جای خود خشک شده است. صحبت های آقای عبدالرضا کریمی اگر واقعا نظر رهبری حزب دمکرات هم باشد، که آنوقت جای تاسف زیاد است، نشان میدهد که اینها از جنگ چند ساله با کومه له درسی نگرفته اند، و "دامنه انساندوستی" شان هنوز آنقدر وسیع نشده است که حداقل به آزادیهای سیاسی در کردستان پایبند باشند و مخالفین سیاسی شان را هم تحمل کنند. سوال این است که آیا رهبری حزب دمکرات بر این واقف است که با مردمی بشدت متفاوت از بیست سال قبل طرف است؟ آیا میداند که جامعه ای که پیش از دوده سرکوب و خفقان بر آن حاکم بوده است با سرنگونی حکومت اسلامی، دیگر تن به حاکمیت هر حزبی با هر برنامه ای نمیدهد، آیا میداند که جوانان کردستان، از مفاهیمی مثل آزادی های بی قید و شرط سیاسی درکشان بسیار فراتر رفته است و بسیار بیش

از نماینده این حزب با دستاورهای بشر در فرانسه و انگلیس و آلمان و سوئد آشنائی دارند، آیا میداند که مردم سندنند و بوکان و نطقه فردا کسی را که در مقابل بحث آزادی های سیاسی از چشم درآوردن و گوش بریدن صحبت کند از چهارپایه پائین خواهند کشید؟ و مهمتر اینکه احزاب شناخته شده ای در جامعه حضور دارند و این نسل و کل مردم امکان مقایسه و انتخاب دارند؟ باور کنید مردم نمایندگان احزاب را در مقابل سوال های بسیار اساسی قرار میدهند، پاسخ روشن میخواهند، انتظار دارند نمایندگان احزاب سیاسی به مسائل سیاسی، آنهم به موضوع مهمی مثل آزادیهای سیاسی، کمی آشنائی داشته باشند و با مزاح و زیر سیبیلی آترا رد نکنند.

خطاب من به رهبری حزب دمکرات است که در مقابل مطالبات آزادیخواهانه مردم اینطور شانه بالا نیندازید، باور کنید جامعه خیلی تغییر کرده است، این جامعه جامعه دوره قاضی محمد نیست، جامعه بیست سال قبل هم نیست هرچند بیست سال قبل هم بسیار چپ تر، بافرهنگ تر، مدرن تر و آزادیخواه تر از آن چیزی بود که شما میپنداشتید.

باور کنید تفاوتها آنقدر نیست که مردم فرانسه و انگلیس به نهادهای مدنی، نهادهای برای بهبود حقوق زن و کودک و کارگر، احتیاج داشته باشند و مردم کردستان نداشته باشند، تازه هر درجه از تفاوت هم وجود داشته باشد این نتیجه گیری مجاز نیست. اگر مردم کردستان و ایران این نهادها را ندارند دلیلش این است که جمهوری اسلامی و قبل از آن حکومت شاهنشاهی اجازه نداده است. مردم کردستان به این نهادها، و در واقع به حقوقشان، به آزادیهای سیاسی و مدنی، به رهائی زن از فرهنگ و سنت و قوانین پوسیده عهد عتیق "زن به زن" نیاز دارند و نه فقط نیاز که دارند برای آن مبارزه میکنند. همین حالا هم مردم در همه جا از بانه و مهاباد و سقز تا اصفهان و تبریز و اهواز و آبادان در مقابل چشمان سران مترجع رژیم دارند این نهادها را درست میکنند و رفتارشان هیچ تشابهی با اسلاميون بازاری و طلبه های مدرسه فیضیه و شاگردان مکتب قرآن مفتی زاده ندارد. باور کنید مردم خیلی جلوتر آمده اند. اینهمه دهن کجی نماینده شما نه فقط به حال جامعه که بحال خودتان هم سودمند نیست. ■

از صفحه ۱

راز سرنگونی طلبی ...

کیهان ادامه میدهد که این مرکز توزیع با پیچیدن ساندریج آمریکایی برای مشترکانش، حسابی فضای غربی ایجاد کرده، پاتوقی برای عناصر غرب زده راه انداخته، فرهنگ منحط غربی را اشاعه داده، نظام رفتاری را به هم زده، هنجار شکنی کرده و در نهایت اسلام و حکومتش را به خطر انداخته است!

ظاهر این خبر البته مسخره و خنده آور است. اما در پشت آن یک حقیقت سیاسی نهفته است. بیان آخوندی این حقیقت سیاسی، "هجمه فرهنگی برای نابودی کیهان اسلام" است. قبلا هم این "هجمه فرهنگی" در لباسهای مختلف به قلمرو اسلام دست درازی کرده و حتی درشتترین آیت الله های اسلام را وحشت زده کرده و به چاره جویی واداشته است. برای مثال: در اوج سرکوب اسلامی، جوانان دختر و پسر به هزار طریق روابط عاشقانه برقرار کرده اند، پارتهای ششانه راه انداخته اند و آهنگ راک گوش داده اند و به موزیک ریگی مارتین و بریتنی اسپرز و جنیفر لویز رقصیده اند و با نهی از منکر اسلامی جنگ و گریز کرده اند. فیلمهای مولن روژ و تایتانیک و زیبای آمریکایی دیده اند. روسری عقب

زده اند و موی سر بیرون ریخته اند و به حجاب اسلامی دهن کجی کرده اند. وقتی در عین سرکوب اسلامی این چنین فضای غیر اسلامی موج میزند هر اتفاقی هر چقدر ساده باشد نگران کننده است و موجب مقابله مسخره از طرف سران اسلامی میشود. مثلا حتی کواکولای نامسلمان غربی را با نوشابه "زمزم" مسلمان شرقی جایگزین میکنند که نامش از چشمه ای در خود مکه گرفته شده است و سرچشمه اش هم درست در خود بهشت است. به جای باری بی حجاب، سارا را تولید میکنند که تمام عیار محجبه است و انگار همیشه از سر نماز و دعا برمیگردد. عروسک کن غربی تی شرت پوش را با دارا جایگزین میکنند که آستین بلند میپوشد و حتی کلاهی شبیه عمامه بر سر میگذارد میبادا که کودکان سرزمین اسلام بتوانند اگر احيانا فرصتی گیر آورند در عوالم کودکیشان در فقدان عمامه و عبا نفس راحتی بکشند. از مردم میخواهند که اگر احيانا فرصتی برای شادی گیر آورند، به جای کف زدن غیر اسلامی صلوات غرا بفرستند که مبادا در شادیشان سومومات غیر اسلامی و غربی نفوذ کند و یک جوری زیر اسلام را بزند.

چه رازی پشت این اتفاقات نهفته است که اینچنین متولیان حکومت اسلامی را بی تاب و

آشفته میکند؟ اینجا هم، همان تناقض پایه ای سیاسی حکومت اسلامی است که خودش را در جوانب روزمره زندگی مردم، حتی سلیقه خوراک و انتخاب عروسک و نحوه ابراز احساس هم خود را نشان میدهد. مک دونالد و کواکولا و عروسک باری و کف زدن نگران کننده هستند به خاطر اینکه نشانه های مختلفی از ترک خوردن اینلوژی حکومت اسلامی، یعنی فرهنگ و رسوم و شعائر اسلامی هستند. یک دلیل مهم جذابیت اینها، مغایرتشان با همین شعائر اسلامی و ارزشهای مورد قبول حکومت اسلامی است. جایی که اصل زیر سؤال است نمیتوان باجلوه هایی که منعکس کننده همین اصل است آترا قابل قبول تر کرد. جایی که خود حجاب و عمامه کسالت آور است، عروسک حجاب دار و عمامه دار کسالت آورتر است. دختر خردسالی که در زندگی واقعی زیر مقنعه خفه میشود نمیتواند اتاقش را با عروسک مقنعه دار مزین کند.

در یک شرایط متعارف سیاسی، این قبیل مسائل، امورات ساده بی ربط به ارکان سیاسی یک حکومت هستند. اما جمهوری اسلامی در شرایط متعارف نیست. روی یک تقابل عظیم سیاسی و فرهنگی میان خود و مردم، مردمی که دنبال کسب حقوق انسانیشان از جمله آزادی فرهنگی در بالاترین سطح هستند، قرار گرفته است. رواج عروسک بی

حجاب رنگ سیاسی به خود میگیرد چون در کشوری اتفاق می افتد که رفع مزاحمت اسلام از زندگی مردم یک خواست ابتدایی و همگانی است؛ که میلیونها نسل جوانش برای تجربه کردن آزادی روابط جنسی هر روز با شلاق شریعت اسلامی در می افتند؛ که مخالفت با حجاب و بیحقوقی زن در جامعه موج میزند. جایی که مراسم عاشورایش توسط جوانان به حسین پارتی تبدیل میشود و پای پاسداران حکومت را به میان میکشد، معلوم است که کف زدن، سیاسی میشود و حتی موضوع کشمکش جناحهای حکومتی میشود.

به خاطر بیاورید که دوم خردادها در مقابل تمایل قوی مردم برای زندگی رها از شریعت اسلامی و حکومتش، اینقدر عقب نشینی کرده بودند که میگفتند کف زدن در مراسم شادی و سوت زدن در سخنرانیها دیگر ایراد شرعی ندارد! اما جمهوری اسلامی در قلمرو فرهنگ راه پس و پیش ندارد چون در قلمرو سیاسی راه پس و پیش ندارد. آن حقیقتی که جمهوری اسلامی را در عرصه سیاست دو شقه کرد و راست و دوم خرداد را بیرون داد و بعدا هر دو این شعبه ها را هم از درون متلاشی کرد، در عرصه فرهنگ هم خود را نشان

میدهد. همچنان که در عرصه سیاست سرکوبشان راه به جایی نمی برد و کوتاه آمدنشان راه مردم را برای پیشروی بیشتر باز میکند، در عرصه فرهنگ هم نه میتوانند زیاد تحمیل کنند و نه میتوانند کوتاه بیاینند. تحمیلشان مردم را بیشتر به سمت مقابل هل میدهد و کوتاه آمدنشان راه پیشروی بیشتر را باز میکند. در جمهوری اسلامی هر اتفاق فرهنگی بلافاصله رنگ سیاسی میگیرد نه فقط به این علت کلی که در هیچ جامعه ای، از جمله جامعه زیر سلطه جمهوری اسلامی، دیوار غیر قابل نفوذی میان فرهنگ و سیاست وجود ندارد و فرهنگ و سیاست وجوه مختلف مناسبات انسانی هستند که با هزار رشته به هم مربوطند. در جمهوری اسلامی، عرصه فرهنگی بلافاصله سیاسی میشود چون جمهوری اسلامی روی سرکوب استوار است، اختناق فرهنگی جزو مهمی از دستگاه سرکوب است و هر درجه از شل شدن اختناق فرهنگی، کل دستگاه سرکوب اسلامی را کم تاثیر میکند و از این طریق کل حکومت اسلامی را لرزاتر میکند. تب و لرز سران اسلامی از سر در آوردن ساندریج مک دونالد در تهران یک تب و لرز کاملا سیاسی است.

رادیو انترناسیونال را روی اینترنت بشنویید

www.radio-international.org

سرنگون باد رژیم سنگسار و اعدام

و البته هنوز جریاناتی در اپوزیسیون از این رژیم دفاع میکنند، جناح مترقی در آن پیدا میکنند و با سرنگونی آن مخالفند.

حزب کمونیست کارگری مردم آزادیخواه ایران را به یک مقابله و رودروئی قاطع با بساط اعدام و سنگسار فرامیخواند. اینها تمهیدات احمقانه حکومت اسلامی برای جلوگیری از همان انفجار جامعه است که هر روز سران رژیم به همدیگر خاطرنشان میکنند. این رژیم در لبه پرتگاه قرار دارد و این تلاشها دردی از آن دوا نمیکند.

محوطه زندانها و یا در ملاء عام به دار آویخته شده اند. سازمان عفو بین الملل اعلام کرده است که در هفته های آتی ۲۰ نفر دیگر در لیست اعدامها هستند. علاوه بر اعدام و سنگسار، اخیراً رژیم اسلامی به تبعیت از برادرانشان در حکومت طالبان، دست راست و پای چپ سارقین را قطع میکنند. به اعتراف رسانه های رژیم چند مورد دست و پا بریدن در دو ماه گذشته در ایران صورت گرفته و بیادگاه دیگری حکم ازه کردن دست راست و پای چپ فردی دیگر را صادر کرده اند.

ماشین خونریزی رژیم اسلامی در ایران همچنان قربانی میکشد. قربانیان مردمی بی دفاع، فقر زده، منکوب شده و محروم از هرگونه آزادی حتی در قلمرو زندگی خصوصی شان هستند. اخیراً رسانه های رژیم حکم سنگسار دو زن را منتشر کردند. خانم سیما که بعد از تحمل هشت سال زندان قرار است به سبعانه ترین شیوه به قتل برسد و خانم فردوس ب که ۱۲ سال از عمرش را در سجنگاه گاههای رژیم بسر برده است. فقط در دو هفته گذشته طبق اعتراف خود رسانه های رژیم ۱۴ نفر در

اطلاعیه پایانی اجلاس دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

جلسه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران در روزهای ۴ و ۵ خرداد ۱۳۸۱ (۲۵ و ۲۶ مه ۲۰۰۲) برگزار گردید. دستور جلسات عبارت بودند از:
- گزارش هیات دائم دفتر سیاسی
- شیوه کار و ملزومات تمرکز هیات دائم دفتر سیاسی
- وضعیت مالی حزب
- جنبش اعتراض توده ای در ایران و بحث نافرمانی
- اوضاع سیاسی ایران و موقعیت نیروهای اپوزیسیون
- مولفهای گسترش فعالیت حزب در کردستان
- انتخابات

جلسه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران در روزهای ۴ و ۵ خرداد ۱۳۸۱ (۲۵ و ۲۶ مه ۲۰۰۲) برگزار گردید. دستور جلسات عبارت بودند از:
- گزارش هیات دائم دفتر سیاسی
- شیوه کار و ملزومات تمرکز هیات دائم دفتر سیاسی
- وضعیت مالی حزب
- جنبش اعتراض توده ای در ایران و بحث نافرمانی
- اوضاع سیاسی ایران و موقعیت نیروهای اپوزیسیون
- مولفهای گسترش فعالیت حزب در کردستان
- انتخابات

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران
۷ خرداد ۱۳۸۱ - ۲۸ مه ۲۰۰۲

اعتراضات کارگران کفش ملی و جهان چیت

کارگران اعتصابی را توسط نیروهای اوباش و سرکوبگر رژیم اسلامی قویاً محکوم میکند. کارگران دستگیر شده کفش ملی و جهان چیت باید فوراً آزاد شوند. برای نقد کردن حقوقهای معوقه باید بخشهای مختلف کارگری همصدا و متحد دست به اعتصاب بزنند و اعتراض را به خیابانها بکشاند. اعتراض یکپارچه و اتحاد کارگری کلید پیشروی کارگران است. تنها به این طریق میتوان سرمایه داران و رژیم اسلامی شان را وادار به عقب نشینی کرد.

حنفی از کارگران دستگیر شده منتشر شده است.
همینطور کارگران جهان چیت کرج روز ۳۱ اردیبهشت در اعتراض به عدم پرداخت حقوقهایشان که ماهها است پرداخت نشده دست به اعتصاب زدند. کارگران جهان چیت در هفته های گذشته بارها با حضور در خیابان و محوطه کارخانه دست به اعتراض زدند که با سرکوب شدید نیروهای سرکوبگر رژیم رویرو شدند و تعدادی از کارگران معترض دستگیر و زندانی شدند.
حزب کمونیست کارگری حمله به

روزهای دوشنبه و سه شنبه ۳۰ و ۳۱ اردیبهشت، صدها نفر از کارگران کفش ملی در اعتراض به عدم پرداخت حقوقهای خود دست از کار کشیدند. کارگران به خیابانها ریختند و دست به تظاهرات زدند و جاده قدیم تهران - کرج را مسدود کردند. اعتراض کارگران یا عکس العمل و یورش وحشیانه نیروی انتظامی به کارگران رویرو شد. در این درگیریها تعدادی از کارگران دستگیر شدند و به زندان شماره ۶۹ سپاه پاسداران منتقل شدند. تاکنون اسامی محمد طباطبائی، رسول شاکری و علی

در کنفرانس دهم تشکیلات سوئد حزب کمونیست کارگری ایران شرکت کنید!

قابل توجه عموم

دهمین کنفرانس تشکیلات سوئد حزب کمونیست کارگری ایران روزهای شنبه و یکشنبه ۸ و ۹ یونی (ژوئن) برگزار میگردد. شرکت در کنفرانس برای عموم آزاد است. رسانهها نیز امکان تهیه گزارش از کنفرانس را دارند.
برای ثبت نام و دریافت کارت ورودی و جزئیات بیشتر در مورد کنفرانس از طریق تلفن و ایمیل زیر تماس بگیرید. آخرین مهلت ثبتنام ۳۱ ماه مه میباشد.

070- 765 32 34 - wpi_sw@yahoo.se

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - کمیته سوئد

یک
دنیای بهتر
برنامه حزب
کمونیست کارگری
را بخوانید

حمید تقوائی دبیر کمیته مرکزی 001 647 885 2485
کوروش مدرسی رئیس دفتر سیاسی 0044 774 863 0833
اصغر کریمی 0044-771 4097928
آذر مدرسی دبیر تشکیلات خارج 00447815902237
رحمان حسین زاده-دبیر کمیته کردستان حزب:
0046-739 855 837
اسد گلچینی - دبیر تشکیلات کل کشور
0044 7940 416 768
شهلا دانشفر: دفتر مرکزی حزب 00447950517465
بهرام مدرسی - دبیر کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست:
0049174 944 0201

به حزب کمونیست کارگری ایران کمک مالی کنید!

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت
www.wpiran.org
www.wpibriefing.com
www.rowzane.com
www.hambastegi.org
www.childrenfirstinternational.org
www.jawanan.org
www.iwsolidarity.com
www.medusa2000.com
www.marxsociety.com
www.kvwpiran.org

Bank Account:
Z.I. Konto:
520 5164 008
BLZ: 10090000
Beliner Volksbank
Germany

Website:
www.haftegi.com
Email:
haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-8701207768

Address:
BM Box 8927
London
WC1N 3XX
England